**بهار سالک (نگاهى به سیره عبادى امام راحل قدس سره)**

**اشاره‏**

میان زمان‏ها، برخى اوقات از ویژگى ممتازى برخوردارند که در آن‏ها، باران رحمت الهى باریدن گرفته و قلوب تشنه معرفت را سیراب مى‏کند. پیامبراکرم صلى الله علیه و آله مى فرمایند:

إِنَّ لِرَبِّکُمْ فِی أَیَّامِ دَهْرِکُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا؛[[۱]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn1)

در ایّام زندگى شما، لحظاتى فرا مى‏رسد که در معرض نسیم حیات‏بخش الهى قرار مى‏گیرید و فرصت مناسبى به دست مى‏آورید، بکوشید از آن فرصت‏ها استفاده کنید و خویشتن را در مسیر فیض الهى قرار دهید.

ماه‏هاى با برکت رجب و شعبان و رمضان، بهار سلوک به شمار مى‏روند و از زمان‏هایى هستند که سالک الى الله، بهره‏گیرى معنوى از آن‏ها را بر خود لازم دانسته و غفلت از این فرصت‏ها را مایه خسران مى‏داند. اولیاى الهى، برنامه خاصى در این زمان‏ها داشته‏اند. در این نوشتار به اختصار، به برخى برنامه‏هاى امام خمینى رحمه الله در ماه‏هاى مبارک شعبان و رمضان اشاره مى‏کنیم، تا علاقه‏مندان از آن الگو برگرفته و در جان ایشان همتى مضاعف در بهره‏گیرى از این دو ماه عزیز برانگیزد.

**ماه شعبان‏**

ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت الهى، و ماه شعبان، پیش درآمد آن است؛ پس اعمال زیادى باید انجام داد، تا توفیق شرکت در این مهمانى را یافت. یکى از این اعمال، خواندن ادعیه است. امام خمینى رحمه الله در این رابطه مى فرماید:

ماه شعبان مقدمه است براى ماه مبارک رمضان که مردم براى ورود در ماه مبارک رمضان و ورود در «ضیافه الله» مهیا بشوند. شما وقتى مى‏خواهید به مهمانى بروید، غالباً یک وضع دیگرى خودتان را درست مى‏کنید. لباسى تغییر مى‏دهید و یک‏طور دیگرى وارد مى‏شوید. ماه شعبان براى این است که همان طور که مى‏خواهید مهمانى بروید، خودتان را مهیا مى‏کنید و سر و ظاهرتان را یک قدرى فرق مى‏گذارید با آن وقتى که در خانه هستید، در ضیافت خدا هم ماه شعبان براى مهیا کردن این افراد است، مهیا کردن مسلمین است براى ضیافت خدا. ادبش مناجات شعبانیه است.[[۲]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn2)

اگر به آثار امام خمینى رحمه الله نظرى گذرا بیفکنیم، سفارش آن بزرگوار به خواندن مناجات شعبانیه کاملًا مشهود است. وى درباره اهمیت این مناجات مى‏فرماید:

اگر نبود در ادعیه الّا دعاى مناجات شعبانیه، کافى بود براى این‏که امامان ما، امامان بحقند؛ آن‏هایى که این دعا را انشا کرده و تعقیب کردند. تمام این مسائلى که عرفا در کتاب‏هاى طولانى خودشان نوشته‏اند یا خودشان مى‏گویند، در چند کلمه مناجات شعبانیه هست؛ بلکه عرفاى اسلام از همین ادعیه و از همین دعاهایى که در اسلام وارد شده است، استفاده کرده‏اند.[[۳]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn3)

همچنین جایى دیگر مى‏فرماید:

مناجات شعبانیه از بزرگ‏ترین مناجات و از عظیم‏ترین معارف الهى و از بزرگ‏ترین امورى است که آن‏هایى که اهلش هستند، مى‏توانند تا حد ادراک خودشان استفاده کنند …[[۴]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn4)

شخصى که این‏گونه به عظمت از این مناجات یاد مى‏کند، بى‏تردید خود غواصى است که از گوهرهاى معنوى این دریا بهره مى‏برد. یکى از کسانى که در خدمت امام بوده است مى‏گوید:

در ماه شعبان، گاهى شب‏ها پشت در اتاق مى‏خوابیدم؛ مى‏دیدم یک ساعت مانده به اذان صبح، امام بیدار مى‏شد و وضو مى‏گرفت و پس از نماز شب، مشغول مناجات شعبانیه مى‏شد. من شاهد بودم چگونه امام مناجات شعبانیه را مى‏خواند و به درگاه خدا ناله مى‏کرد. ایشان مقید به خواندن مناجات شعبانیه بود و در این مناجات، به قدرى گریه مى‏کرد که من … با صداى گریه ایشان از خواب بیدار مى‏شدم، با این‏که بسیار آرام و آهسته، اعمال شب را انجام مى‏داد که کسى بیدار نشود.[[۵]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn5)

**قطره‏اى از اقیانوس معارف مناجات‏**

امام خمینى رحمه الله براى درک اسرار معارف قرآن و مناجات امامان علیهم السلام به ویژه مناجات شعبانیه، ذوق عرفانى را ضرورى مى داند. آن بزرگوار مى‏فرماید:

چه بسا مسائل عرفانى‏[[۶]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn6) که در قرآن و این مناجات‏هاى ائمه اطهارعلیه السلام و همین مناجات شعبانیه هست که اشخاص، فلاسفه، عرفا ممکن است تا حدودى درک کنند، عناوین را بفهمند؛ لکن آن ذوق عرفانى چون حاصل نشده است، نمى‏توانند وجدان کنند ….

امام رحمه الله در مناجات شعبانیه به این فراز خیلى عنایت داشته و در مواردى سخن یا نوشته خود را به آن مزین مى‏فرمود:

الهى هَبْ لِى کَمالَ الْانْقِطاع الَیْکَ وَ انِرْ ابْصَارَ قُلُوبِنا بِضِیاء نَظَرِها الَیْکَ حَتّى تَخْرِقَ ابْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ الَى مَعْدِنِ الْعَظَمَهِ وَ تَصیرَ ارواحُنا مُعَلَّقَهً بِعِزّ قُدْسِکَ الهى وَاجْعَلْنِى مِمَّنْ نادَیْتَهُ فَاجابَکَ وَ ناجَیْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلالِکَ؛

وقتى به آثار بیانى و قلمى آن سفر کرده به عرش، نظرى بیفکنیم، در مى‏یابیم آن ذوق عرفانى که در سخنان ضرورى مى‏دانست، در وجود خود نیز به کمال رسیده بود و برخى از کلمات اسرار گونه را براى ما بیان فرمود.

معظم له درباره کمال انقطاع مى‏فرماید:

این کمال انقطاع، خروج از منزل خود و خودى و هرچه و هرکس، و پیوستن به او است و گسستن از غیر، هِبه‏اى الهى است به اولیاى خُلَّص پس از صَعْق حاصل از جلال که دنبال گوشه چشم نشان دادن او است «وَ لاحَظْتَهُ».[[۷]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn7)

امام راحل قدس سره محبوس بودن در حجاب، اعم از نورانى و ظلمانى را سبب محجوب بودن فطرت مى‏داند و خارج شدن از آن را ضرورى دانسته و راهکار خروج را، هم مجاهدت و تلاش فرد و هم هدایت خداوند متعال معرفى مى‏کند:

و تا انسان در حجاب خود است و به خود سرگرم است و خَرْق حُجُب حتّى حُجُب نورى را نکرده، فطرتش محجوب است و خروج از این منزل، علاوه بر مجاهدات، محتاج به هدایت حق تعالى است.[[۸]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn8)

آن عالم فرزانه براى توضیح این سخن به مطلب کلیدى دیگرى اشاره مى‏کند:

و ابصار قلوب تا به ضیاءِ نَظر او نور نیابد، حُجُب نور خرق نشود و تا این حُجب باقى است، راهى به معدن عظمت نیست و ارواح، تعلُّق به عزّ قدس را درنیابند و مرتبت تَدَلّى‏[[۹]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn9) حاصل نیاید «ثُمَّ دَنى فَتَدَلّى‏».[[۱۰]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn10) و ادنى از این، فناى مطلق و وصول مطلق است ….

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تا خویشتنى به وصل جانان نَرسى‏ |  | خود را به رهِ دوست فنا باید کرد |
|  |  |  |

نجواى سرّى حق با بنده خاص خود صورت نگیرد، مگر پس از صَعْق و اندکاک جَبَل هستى‏[[۱۱]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn11) خود،

رَزَقَنا اللهُ وَ ایَّاک …[[۱۲]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn12)

امام رحمه الله به معارف بلندى که در این مناجات است، اشاره مى‏کند و فهمیدن آن‏ها را بدون ریاضات شرعى امرى ناممکن مى‏شمرد. و مى‏فرماید:

… همین جملاتى که در این مناجات بزرگ است و بعض جملات دیگرى که در آن هست، مسائلى است که به حسب ظاهر سهل است و واقعاً ممتنع است. ریاضات بسیار مى‏خواهد تا انسان بتواند بفهمد که «ناجیتَه [با فتح تا] نه ناجیته [با ضم تا]، «ناجَیتَه» این چیست؟ خدا با آدم مناجات مى‏کند؛ مناجات چى است؟ ائمه چه خواسته‏اند؟ این از دعاهایى است که من غیر از این‏

دعا ندیدم که روایت شده است همه ائمه این دعا را مى‏خواندند. این دلیل، بر بزرگى این مناجات است که همه ائمه این مناجات را مى‏خواندند. این چه بوده است؟ بین آن‏ها و خداى تبارک و تعالى چه مسائلى بوده است؟[[۱۳]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn13)

**ماه مبارک رمضان‏**

امام خمینى رحمه الله توجه ویژه‏اى به ماه مبارک رمضان داشت و ملاقات‏هاى خود را در ماه رمضان تعطیل مى‏کرد، تا براى دعا و تلاوت قرآن و اعمال این ماه فرصت بیشترى پیدا کند.

آن بزرگوار در ماه رمضان از شب تا صبح، عبادت، نماز و دعا به جا مى‏آوردند، بعد از نماز صبح، مقدارى استراحت مى‏کرد و صبح زود، براى کارهاى خود آماده بود.[[۱۴]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn14)

امام رحمه الله درباره ماه رمضان چنین مى‏سراید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ماه رمضان شد، مى و میخانه بر افتاد |  | عشق و طرب و باده به وقت سحر افتاد |
| افطار به مى‏کرد برم پیر خرابات‏ |  | گفتم که تو را روزه به برگ و ثمر افتاد |
| با باده وضو گیر که در مذهب رندان‏ |  | در حضرت حق، این عملت بارور افتاد[[۱۵]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn15) |
|  |  |  |

ماه رمضان، ماه ضیافت الهى است و ضیافت الهى نیز معدن عظمت است که در مناجات شعبانیه، وصول به آن، از خواسته‏ها شمرده مى‏شود. امام در این باره مى فرماید:

ضیافه الله، همان «معدن عظمت» است. خداوند- تبارک و تعالى- براى ورود به معدن نور و عظمت، از بندگانش دعوت فرموده است؛ لیکن بنده اگر لایق نباشد، نمى‏تواند به چنین مقام با شکوه و مجللى وارد گردد.[[۱۶]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn16)

**انس با قرآن‏**

توجه به قرآن و تلاوت و تدبر در آن، وظیفه هر مسلمان است. امام خمینى در این ماه بیشتر از ماه‏هاى دیگر بر سر این مائده آسمانى نشسته و از این خوان گسترده الهى بهره مى‏برد.

**الف. تلاوت‏**

بى‏تردید، تلاوت کلام الهى داراى آثار زیادى است. ریزش باران رحمت الهى در ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن‏[[۱۷]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn17) بیشتر است و هنگام تلاوت، بهره انسان از این باران رحمت افزایش مى‏یابد.

یکى از مرتبطین با امام رحمه الله مى‏گوید:

امام در ماه مبارک رمضان، بسیار با قرآن مأنوس بودند. من یاد ندارم که در این ماه شریف، خصوصاً در ماه رمضان آخر عمرشان که اوایل سال ۸۶ بود، به محضر ایشان مشرف شوم و ایشان را جز در حالت قرآن خواندن ببینم. هر وقت که کارى پیش مى‏آمد و به محضرشان مى‏رسیدم، مى‏دیدم مشغول تلاوت قرآن مجید هستند.[[۱۸]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn18)

**ب. تدبر**

قرآن کریم، داراى نکات و لطایف و ظرایفى است که به تدبر نیاز دارد. سیره امامان معصوم علیهم السلام تدبر در این بحر عمیق بوده است، تا بتوانند جواهر بیشترى به دست آورند. حضرت رضا علیه السلام هر سه روز، یک ختم قرآن انجام مى‏داد و مى‏فرمود:

اگر بخواهم، در کمتر از سه روز هم مى‏توانم یک قرآن ختم کنم؛ اما هنگامى که به آیات شریف مى‏رسم، تفکر و تدبّر مى‏کنم که این آیه در چه موضوعى فرود آمده و چه وقتى نازل شده است؛ لذا قرآن را هر سه روز، یک دور قرائت مى‏کنم.[[۱۹]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn19)

امام خمینى رحمه الله شاگرد این مکتب نیز به پیشواى معصوم خود تأسى کرده و تدبر در آن را امر لازم مى‏شمرد.

مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید احمد خمینى رحمه الله مى‏گوید:

امام، وقتى در نجف بودند، در ماه مبارک رمضان هر سه روز یک بار قرآن را ختم مى‏کردند؛ اما زمانى که در جماران بودند، به خاطر کهولت سن، هر ده روز یک بار، قرآن را ختم مى‏کردند. ایشان همواره با قرآن مأنوس بودند، یک جزء قرآن را هشت قسمت کرده و هر قسمت را در زمانى خاص قرائت مى‏کردند. گاهى مى‏دیدم مدت‏ها در یک جمله قرآن مکث مى‏کردند.[[۲۰]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn20)

**مراقبت بر مستحبات و مکروهات‏**

مستحبات و مکروهات نیز از احکام تکلیفى هستند که نباید به آن‏ها بى‏توجه بود. انجام هر یک از این اعمال در عروج و نزول بنده سالک تأثیر ویژه‏اى دارد؛ از این رو اهتمام همیشگى به آن‏ها

سیره عارفان بزرگى چون امام خمینى رحمه الله بوده است.

آیت الله قدیرى مى‏گوید:

وقتى امام در ماه مبارک رمضان در فصل گرماى نجف براى نماز جماعت ظهر و عصر با زبان روزه به مدرسه مرحوم آیت الله بروجردى تشریف مى‏آوردند، اول هشت رکعت نوافل ظهر را مى‏خواندند و بعد نماز ظهر را با اذان و اقامه نسبتاً طولانى به جا مى‏آوردند و بعد از تعقیب نماز ظهر، هشت رکعت نوافل عصر را مى‏خواندند و بعد، نماز عصر را با اذان و اقامه مانند نماز ظهر ادا مى‏کردند و بعد از تعقیبات، تشریف مى‏بردند.[[۲۱]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn21)

یکى از فضلاى مرتبط با امام رحمه الله مى‏گوید:

امام، براى ماه‏هاى ویژه‏اى چون رمضان، برنامه‏اى خاص داشتند؛ به طورى که در این ماه عزیز، شعر نمى‏خواندند، شعر نمى‏سرودند و به شعر گوش نمى‏دادند و دگرگونى خاصى متناسب با این ماه مبارک در زندگى خود ایجاد مى‏کردند؛ به گونه‏اى که این ماه را سراسر به تلاوت قرآن مجید، دعا و انجام مستحبات مربوط به ماه رمضان سپرى مى‏کردند.[[۲۲]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn22)

حضرت على علیه السلام در سخنى، روزه نفس از لذت دنیا را سودمندترین روزه مى‏داند. آن حضرت مى‏فرماید:

صَوْمُ النَّفْسِ عَنْ لَذَّاتِ الدُّنْیَا أَنْفَعُ الصِّیَام؛[[۲۳]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn23)

روزه نفس از لذت‏هاى دنیا [/ امساک و پرهیز از آن‏ها] سودمندترین روزه‏ها است.

خانم مصطفوى، فرزند مرحوم امام مى‏گوید:

امام، چهارده سال در نجف بودند. از بستگان خود دور بودند. هواى گرم نجف را تحمل مى‏کردند و آنجا روزهایى به آن بلندى را روزه مى‏گرفتند. خادم منزلشان، صبح که مى‏آمد، گلایه مى‏کرد و مى‏گفت: «خانم! من سینى غذاى سحر آقا را مى‏برم؛ وقتى برمى‏گردانم، احساس نمى‏کنم از این سینى غذایى خورده شده باشد. شاید یک کمى مثلًا یک نصف کتلت خورده‏اند». آقا با این شرایط روزهاى طاقت فرساى نجف را روزه مى‏گرفتند.[[۲۴]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_edn24)

**پیوست‌ها:**

[[۱]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref1) . بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱.

[[۲]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref2) . صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۱( با اندکى تصرف).

[[۳]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref3) . همان( با اندکى تصرف).

[[۴]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref4) . همان، ج ۱۷، ص ۴۵۶.

[[۵]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref5) . رفتار شناسى امام خمینى، مرضیه مظهرى، عروج، اول، ۱۳۸۷ ش، ص ۹۵( با اندکى تصرف).

[[۶]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref6) . صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۵۷.

[[۷]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref7) . صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۴۴( با اندکى تصرف).

[[۸]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref8) . همان، ص ۴۴۳( با اندکى تصرف).

[[۹]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref9) . اشاره به مرتبه و مقام فناى صفاتى است که پیش از فناى ذاتى و فناى مطلق حاصل شود.

[[۱۰]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref10) . سوره نجم: ۸« آن گاه نزدیک و نزدیک‏تر شد».

[[۱۱]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref11) . اشاره به مضمون آیه ۱۴۳ سوره أعراف:« فَلَمَّا تَجَلّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَکّاً وَ خَرَّ مُوسى صَعِقاً؛ چون پروردگارش بر کوه تجلّى کرد، کوه را خُرد کرد و موسى بیهوش افتاد».

[[۱۲]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref12) . صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۴۴( با اندکى تصرف).

[[۱۳]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref13) . همان، ج ۱۷، ص ۴۵۸( با اندکى تصرف).

[[۱۴]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref14) . فرازهایى ازابعاد روحى، اخلاقى و عرفانى امام خمینى، ع- ز- گ، ۱۳۶۱ ش، ص ۷۱.

[[۱۵]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref15) . دیوان امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۳۲.

[[۱۶]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref16) . جهاد اکبر، امام خمینى رحمه الله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، چاپ نهم، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۵.

[[۱۷]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref17) . شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی أُنْزِلَ فیهِ الْقُرْآنُ هُدىً لِلنَّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدى وَ الْفُرْقانِ …( سوره بقره: ۱۸۵).

[[۱۸]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref18) . بر ساحل آفتاب، ص ۴۴۱.

[[۱۹]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref19) . کَانَ یَخْتِمُهُ فِی کُلِّ ثَلَاثٍ وَ یَقُولُ لَوْ أَرَدْتُ أَنْ أَخْتِمَهُ فِی أَقْرَبَ مِنْ ثَلَاثٍ لَخَتَمْتُ وَ لَکِنِّی مَا مَرَرْتُ بِآیَهٍ قَطُّ إِلَّا فَکَّرْتُ فِیهَا وَ فِی أَیِّ شَیْ‏ءٍ أُنْزِلَتْ وَ فِی أَیِّ وَقْتٍ فَلِذَلِکَ صِرْتُ أَخْتِمُ فِی کُلِّ ثَلَاثَه( وسائل‏الشیعه، شیخ حر عاملى، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۲۱۷).

[[۲۰]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref20) . رفتار شناسى امام خمینى، ص ۱۰۵.

[[۲۱]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref21) . برساحل آفتاب، ص ۲۷۱.

[[۲۲]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref22) . همان، ص ۲۶۷.

[[۲۳]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref23) . غررالحکم، آمدى، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۷۶.

[[۲۴]](http://bonyadhad.ir/2877" \l "_ednref24) . برساحل آفتاب، ص ۲۶۶.